

پرسش و پاسخ پیرامون معاد در قرآن *

اهل بهشت را دو صنف می‌کنند - مقربان و اصحاب یمین - مشخص می‌شود که تفسیر اول درست‌تر است.^۱

سؤال: مراد از جَنَّتَان در «و لمن خاف مقام ربّه جَنَّتَان» در سوره الرحمن چیست؟^۲
 جواب اول: امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه فرمود که هر کس بداند خدای تعالی افعال او را می‌بیند و اقوال او را می‌شنود و به جهت این علم از معاصی دور شود، او را دو بهشت است؛ جَنَّتِ عَدْن و جَنَّتِ نَعِيم. یکی برای طاعت و دیگری برای ترک معصیت و یا یکی بر وجه عدل و دیگری از فضل و گویند جَنَّتِی از طلا و دیگری از نقره یا یکی از یاقوت سرخ و

سؤال: در آیه «و من دونهما جَنَّتَان» آیا این «جَنَّتَان» غیر از «جَنَّتِی» در آیه «و عن خاف مقام ربّه جَنَّتَان» است؟^۱

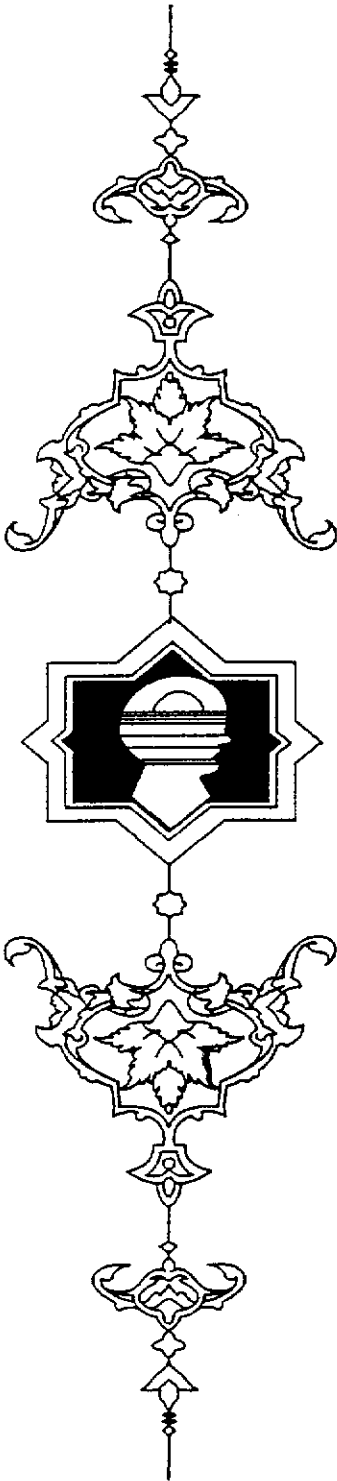
جواب اول: خائفان در آنجا دو بوستان دیگر دارند تا به سبب انتقال ایشان از دو جهت اولین به این دو جَنَّت، سرور و فرح ایشان مضاعف شود؛ چه آن ابعاد خواهد بود از ملال که لازم ضیاع انسان است و اکثر بر آنند که «دون» به معنی پستی مرتبه است. پس به این معنی است که فروتر و پست‌تر از در جَنَّتِ خائفان، دو جَنَّت دیگر برای کسانی است که در رتبه از ایشان پایین‌تر و کمتر باشند. دو بوستان اول از زر و جایگاه مقربان درگاه احدیت است که سابقانند و دو بوستان دیگر از نقره و جایگاه اصحاب یمین است.

جواب دوم: به توضیحات بالا اضافه کرده‌اند که بعضی از مفسران جمله «من دونهما» را به نزدیکی دو بهشت اول معنا کرده‌اند و اگر چنین باشد از سیاق استفاده می‌شود این دو بهشت هم از آن صاحبان دو بهشت اول است بلکه بعضی ادعا کرده‌اند که این دو بهشت افضل و بهتر از دو بهشت سابقند؛ ولی با دقت در آیات این سوره که

(۱) ابن تحفّیق گزیده‌ای از کار تحفّیقی دانشجویان رشته اللبیبات و معارف اسلامی، خانمها مرفیه درج در، فاطمه رضایی، فریبا پور خیاط و عصمت فایز می‌باشند.
 (۲) معادشناسی در پرتوی کتاب، سنت و عقل، سبحانی، ص ۱۲۴

(۳) تفسیر المیزان، ضیاضایی، ج ۱۹، ص ۲۲۱

(۴) سرنوشت انسان، زمردیان شیرازی، ص ۴۱۰



دیگری زبرجد سبز و خاک آن از کافور و عنبر و مشک می باشد و در موضع آورده که او را دو باغ دهند از باغهای بهشت هریکی را صد سال راه باشد و در میان هر دو باغ، سرایی خوش و حوریانی دلکش باشد.

جواب دوم: بعضی گفته اند: یک بهشت منزل شخصی اوست که دوستانش، در آنجا زیارتش می کنند و یکی هم منزل خدمتکاران و همسران اوست؛ به عبارتی دنیایی تر منظور از دو بهشت بیرونی و اندرونی است. بعضی دیگر گفته اند: منظور از دو بهشت باغی است که بیرون قصر دارد و باغی که داخل قصرش دارد (باز نظیر توانگران دنیا که یک باغچه در منزل دارند و در آن گلکاری می کنند و باغی در بیرون شهر و ویلاق دارند که در آنجا انواع میوه ها و چمن زارها درست می کنند). بعضی گفته اند: معنایش این است که در آخرت دو بهشت جدای از هم دارد تا هرگاه از این بهشت خسته شد به بهشت دیگر رود تا لذتش به حد کمال برسد و...^۱

سؤال: زقوم چیست؟^۲

جواب: زقوم درختی است در دوزخ که میوه و برگ آن خوراک کسی است که بسیار گناهکار است و گفته شده که مراد کافر معاند است. زقوم مانند چیزی است که به آتش گداخته شده باشد چون مس و روی. زقوم در شکم کفار مانند آبی که بی نهایت گرم شده باشد می جوشد یا مثل روغن

زیت که حرارت زیاد ببیند و از همان آب جوش بر سر آنها می ریزند تا ظاهر و باطن آنها را بگذارد. از امام باقر علیه السلام منقول است که درخت زقوم که از قعر جهنم بیرون می آید و میوه و برگ و خار آن از آتش است و از سیر، تلختر و از مردار، گندیده تر و از آهن سخت تر است.

سؤال: اگر بهشتیان مخلد نباشند

پس چه وضعیتی خواهند داشت؟^۳

جواب: آنها یا باید به ضعف و سستی و فتور و نقصان مبتلا شوند و آن خلاف تجرد است؛ زیرا نشأت آخرت، عالم طبع و طبیعت و کون و فساد نیست و خرابی و نقصان در آن راه ندارد. یا باید مرگ آنان را دریا بد و در ذات خدا فانی شوند و مراحل نیستی را طی کنند و آن هم به فرض غلط است؛ زیرا آنها فانی شده اند و جذبات جلالیه آنها را فرا گرفته و اینک پس از فنا، بقا یافته و به جذبات جمالیّه و سیر در آثار و تماشای نشأت اشتغال یافته اند.

سؤال: اگر جهنمیان مخلد نباشند

چه وضعیتی خواهند داشت؟^۴

جواب: آنها یا باید قوت و قدرت یافته، و از دوزخ خارج شوند و آن خلاف تجرد و فرض بقا در تعینات آثار خودشان است. و یا باید بمیرند و فانی شوند و آن هم خلاف فرض است؛ زیرا پس از مرگ و فناء فی الله و جذبات قهاریه و کبریائیّه حضرت

حق، اینک بازگشته و حیات و تعیین گرفته و به آثار و صفات و اخلاق و ملکات خود به صورت های ملکوتیه و آتشین جهنم مبتلا گردیده اند.

سؤال: جهنم چند در دارد؟^۵

جواب: دوزخ هفت در دارد. هر دسته از جهنمیان از دری که به آنها اختصاص دارد وارد می شوند. اساسی هفت در جهنم چنانچه از حضرت امیر علیه السلام رسیده، بدین قرار است: اسفل درکات آن «جهنم» است و فوق آن «لظى» و فوق آن «حطمه» و فوق آن «سقر» و فوق آن «جحیم» و فوق آن «سعیر» و فوق آن «هاویه» می باشد و البته عذابهای این طبقات متفاوت خواهد بود.

سؤال: آیا بهشت و دوزخ همزمان

با هم آفریده شده اند؟^۶

جواب: باید دانست که چون اصل فطرت بنی آدم از توحید است، بهشت قبل از جهنم خلق شده است و تمام مراتب شرک و شک و تکاثر عارضی است که روی چهره زیبا و تابناک توحید را می پوشاند.

کلینی در «روضة کافی» از محمد بن

یحیی، از احمد بن محمد از ابن

(۱) تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۱۷

(۲) ۱۰۰۰ سؤال، دستنویب، ص ۸۹

(۳) معادشناسی، حسینی طهرانی، ج ۱۰، ص ۳۷۳

(۴) همان منبع

(۵) معاد، دستنویب، ص ۱۳۰

(۶) همان منبع، ص ۲۷۱

محبوب، از ابو جعفر أحول از سلام بن مستنیر، از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که گفته اند: «خداوند عزّ و جلّ، بهشت را قبل از آتش آفرید و طاعت را قبل از معصیت و رحمت را قبل از غضب و خیر را قبل از شرّ و زمین را قبل از آسمان و زندگی را قبل از مرگ و خورشید را قبل از ماه و نور را قبل از تاریکی.»^۱

سؤال: آیا اولاد کفار که قبل از بلوغ از دنیا می روند بهشتی هستند؟

جواب: بنا بر خبری، عبدالله بن سلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا اولاد کفار و مشرکین در بهشتند یا در جهنّم؟ اگر بهشت بروند که شرایط در آنها نبوده و اگر به جهنّم بروند که استحقاق عذاب نداشتند؛ یعنی تکلیف بر آنها نبوده است.

حاصل روایت آن است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای تعالی حجت را بر آنها تمام خواهد فرمود، همه را در محل واحد جمع می کند، آنگاه ندا میرسد: چه دینی دارید و خدایتان کیست و چه کسی را می پرستید؟ گریزند: پروردگارا! تو شاهدی که ما قبل از بلوغ از دنیا رفتیم. ندا می رسد: آیا اگر فرمان من به شما می رسید، اطاعت می کردید؟ گویند: بلی. ندا می رسد: هم اکنون به گوشه محشر بنگرید فضایی از آتش ظاهر می شود. به آنها دستور داده می شود به آتش بروید. اینها بر دو دسته می شوند: گروهی وارد آتش می شوند و خادم

بهشتیان می شوند؛ ولی آن عده که سربچی کرده به آتش نمی روند مورد عقاب واقع می شوند. سؤال می کنند: گناه ما چیست؟ ندا می رسد: اینجا بلا واسطه امر کردیم اطاعت نکردید، آیا در دنیا اطاعت می کردید؟

در روایات دیگر است که اولاد کفار و مشرکین که قبل از بلوغ مرده اند، مثل دیوانه ها و آنهایی هستند که عقلشان کم است؛ بلکه هر ضعیف العقل و سفیهی و هر جاهل قاصری که در دنیا اسم خدا و آخرت را نشنیده، مثلاً میان جنگلها و پشت کوهها زندگی می کرده و خلاصه هر کس حجت برایش تمام نشده، اینها مستضعفین اند و در قیامت - در اعراف جایی میان بهشت و دوزخ - آنان را جا می دهند؛ نه معذبند و نه متنعم، نه درکات دوزخ را دارند و نه درجات بهشت را.

سؤال: مناقح جهنّم چیست؟^۲

جواب: هنگامی که خداوند جهنّم را آفرید، هزار سال در آن دمید تا سرخ شد، بعد هزار سال در آن دمید تا سفید شد، سپس هزار سال در آن دمید تا سیاه شد، این سه مرحله را مناقح جهنّم می گویند.

سؤال: آیا بهشت در زمین است؟^۳

جواب: بسیاری از آیات به اشاره یا به صراحت دلالت دارند بر آنکه بهشت در روی همین زمین است؛ «أولم یهد للذین یرثون الارض من بعد

اهلها أن لو نشاء اصبتاهم بذنوبهم و نطیع علی قلوبهم فهم لا یسمعون.»^۴ البته باید دانست که آن زمین دیگر مثل این زمین نیست، زمینی پاک و نورانی و زمین دیگری خواهد شد؛ «یسوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برزوا الله الواحد القهار.»^۵

سؤال: ابدی بودن نعمت های بهشتی به چه معناست؟^۶

جواب: بارها، قرآن مسأله تداوم نعمت های بهشتی را بیان فرموده و با جمله «خالدین فیها» به ما گوشزد کرده که بهشتیان دیگر از بهشت به هیچ عنوان خارج نمی شوند. در جای دیگر می خوانیم: «اکلها دائم»؛ میوه های بهشتی نه فصلی و موسمی است و نه آفت زده می شود و نه انسان از خوردن آن منعی دارد. در دنیا گاهی میوه هست اما از ما دور است، یا بی اشتها هستیم یا هنوز نارس و نامطبوع است یا برای معده قابل هضم نیست یا آلوده است؛ به هر حال گاهی میوه هست

(۱) ۱۰۰۰ سؤال، ص ۸۵۸۴

(۲) همان منبع، ص ۸۶

(۳) معادشناسی، ج ۱۰، ص ۶۶۶۲

(۴) آیا کسانی که زمین را بعد از ساکنان آن اوت بردند، ندانند که اگر ما بخوایم آنان را به گناهانشان می گیریم و ما خود می داریم؟ (اعراف، ۱۰۰)

(۵) روزی است که زمین به صورت غیر این زمین تبدیل می شود. (ابراهیم، ۴۷)

(۶) معاد، قرآنی، ص ۶۲۲

ولی ما از خوردن آن ممنوع هستیم. در آیه فوق می‌فرماید: میوه‌های بهشت همیشه هست و هیچ وقت هیچ یک از بهشتیان از خوردن منع نمی‌گردند.

سؤال: آیا در بهشت خستگی و ملال خاطر هست؟^۱

جواب: در بهشت و زندگی بهشتیان خستگی و ملال خاطر وجود ندارد؛ «لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ»^۲

از اینرو هیچگاه درخواست نقل مکان و خروج از آنجا را نخواهند داشت؛ «أَنْ أَسْأَلَهُمْ أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا وَلَا يَخْرُجُوا مِنْهَا»^۳ الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلاً خالدین فیها لا یغنون عنها حوراً.^۴ دلیل رضایت خاطر و شادابی روحی و عدم دلزدگی این است که اولاً با بودن در جوار رب العالمین دیگر گمشده‌ای ندارند و به آنچه همواره برای یافتن آن تلاش می‌کردند، نائل شده‌اند. ثانیاً در آنجا هر چه بخواهند برایشان فراهم است: «و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذذ الأعین»^۵

سؤال: بهشت دارای چند در است و چه نامهایی دارند؟^۲

جواب: بهشت دارای هشت در است به نامهای:

- ۱- باب المجاهدین (مجاهدان)
- ۲- باب المصلین (نمازگزاران)
- ۳- باب الصائمین (روزه‌داران) که از آن به باب الریان (سیراب شوندگان) نیز یاد شده است.
- ۴- باب الصابریین (صبرکنندگان)
- ۵- باب الشاکرین (شکرگزاران)
- ۶- باب الذاکرین (یادآوران خدا)
- ۷- باب الحاجین (حج کنندگان)
- ۸- باب اهل المعروف (نیککاران)

سؤال: نظر شیخ مفید، شیخ صدوق و مرحوم مجلسی درباره وجود فعلی بهشت و جهنم چیست؟^۶

جواب: شیخ مفید می‌گوید: بهشت و جهنم هم اکنون موجودند و اخبار فراوانی بر وجود فعلی آنها دلالت دارد و اهل شرع و آثار نیز بر این عقیده اجماع دارند.

شیخ صدوق می‌گوید: اعتقاد ما در

مورد بهشت و جهنم این است که آنها هم اکنون موجودند و رسول خدا در شب معراج وارد بهشت شد و جهنم را نیز دید.

مجلسی می‌گوید: بهشت و جهنم هم اکنون موجودند و عموم مسلمین جز عده کمی از معتزله بر این باورند و آیات و روایات متواتری نظر نادرست منکران وجود فعلی آنها را دفع می‌نماید.

- ۱) در آنجا آنچه را بخواهند و چشم‌ها از دیدن آن لذت ببرند، موجود است. (زخرف، ۷۱)
- ۲) به سوی جهان ابدی، ص ۳۹۳؛ معاد، ص ۶۱۶
- ۳) سوی جهان ابدی، ص ۴۳۴؛ معادشناسی در پرتو کتاب، سنت و عقل، ص ۲۶۸

منابع:

- به سوی جهان ابدی: زین العابدین قربانی، تهران، نشر شفق، بهار ۱۳۶۹، چاپ دوم
- تفسیر المیزان: سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۶، چاپ ششم
- سرنوشت انسان: احمد زمرّدیان شیرازی، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۱، چاپ دوم
- معاد: محسن قرائتی، تهران، نشر غیاث، بهار ۱۳۷۴، چاپ دوم
- معادشناسی: سید محمد حسین حسینی طهرانی، تهران، نشر حکمت، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ اول
- معادشناسی در پرتوی کتاب، سنت و عقل: جعفر سبحانی، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۰، چاپ اول
- ۱۰۰۰ سؤال: سید عبدالحسین دستغیب شیرازی، تهران، نشر رهنما